

پیکار را بخواهید و در پیش آن بکوشید

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

۱۹

دوشنبه دوازدهم شهریور ماه ۱۳۵۸ سال : ۱۵

• گزارشی از درگیری‌های شهرساز صفحه ۱۱

• خارج کنندگان ارز اگر سرمایه‌شان صفحه ۱۳ را نبرود اند، از محاذات معافند

• هفته‌ای که گذشت

صفحه آخر

گرامی باد خاطره رفقای شهید



رفو شهید حسنه آدیبوش



رفو شهید حبیوند افزار



رفق شهید رفت افزار

بقیه در صفحه ۲

پیکار در دوره جدید اختناق

در رابطه با تهاجم فاشیستی هیئت حاکمه نسبت به آزادی‌های نیمه دموکراتیک و در رابطه با سرکوب خلق کرد، نشریات سیاری و از جمله نشریه پیکار متوقف شد. این امر برای ما نه غیر متربقه و نه تمحب اینکیز بود، چرا که ما کارآشیوه دمومکراتیک و خد انتقامی هیئت حاکمه را در رابطه با مسائل موجود در جامعه توضیح داده بودیم و همواره بر این نکته تاکید داشتیم که هیئت حاکمه کنونی بنا بر ما هیبت طبقاتی خوبیش نه می‌خواهد و نه می‌تواند از آزادی‌هاشی که شمره قیام خوین خلق ما است، پاسداری کند، بلکه همواره و همواره در پی‌گرفتن این آزادی‌ها حریمانه به پیش خواهد رفت و دیدیم که چند هفته اخیر این واقعیت را آشکارتر نشان داد. هیئت حاکمه در این راه حتی به کاسملیمان خود نظیر حزب توده و نیروهای "سه جهانی" نیز رحم نکرد! و نشریات آنها را نیز که در این مدت مشاطه گرشان بقیه در صفحه ۲

کردستان در آتش و خون

نیاز دارد که جوانان پرسش و بر احساس را تحت شعاعهای مذهبی بفریبد و انان را به حنگ برادران زحمتکش کردا خود بفرستد، که بکشند و یا کشته شوند. اینکه در این حنگ تحملی یا زحمتکشان کرد و نشوهای کردستان از سر فرود آوردن در مقابله خواست بحق و طبیعی خلق کرد که خود را مختاری در چهارچوب ایران آزاد و دمکراتیک است خود داری کند. اینکه هیئت حاکمه به منافع شنگ نظرانه خویش فکر میکند و هیچ ایائی

خبر مختصر زیر از استان جنگ زده بخود خود گوای مسائل زیادی است: اینکه هیئت حاکمه کنونی حاضر است به سیاران زنان و کوکان کرد و بخون کشیدن کردستان از سر فرود آوردن در مقابله خواست بحق و طبیعی خلق کرد که خود را مختاری در چهارچوب ایران آزاد و دمکراتیک است خود داری کند. اینکه هیئت حاکمه به منافع شنگ نظرانه خویش فکر میکند و هیچ ایائی

زحمتکشان تبریز مسکن می‌خواهند

آنها برای رسیدن به خواستهای خود دست به مصادره زمین و تشکیل شورا ازدهاند

متر در این محل قرار گرفته است. کارگران و زحمتکشان بی مکن محله می‌گویند، چون مان قادر نیستند این زمینها را بخریسم و هیچ سربتها هم برای زندگی سداریم، باید این قطعه زمین را مصادره کنیم. در تاریخ ۵۸/۲/۲۲ چند کارگر تنعمیم می‌گیرند که زمینها را تقسیم بندی کرده و به هر آجره نشین قطعه زمینی در حدود ۱۰۰ متراً گذاشته شوند. بخشی از زمینهای "قلی پسرور" سرمایه‌دار و زمیندار بزرگ که دو تیمجه فرش نیز در تبریز دارد، به وسعت ۱۰/۰۰۰

جنبیش کارگری

• سورای ضد کارگری کارخانه

جنوال موتورز

• کارگران از شوراهای واقعی خود حمایت می‌کنند.

• کارگران کارخانجات تبریز در مقابل زورگویی دولت مقاومت می‌کنند.

در صفحه ۲ و ۸

- کارگران ۴ ساعت در هفتگاه کار کنند،
- به دهقانان زمین داده شود و به خلقها خودمنتاری ،
- کلبه‌قراردادهای امپریالیستی و از جمله قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا لغو شود ،
- حقوق اجتماعی زن و مرد برابر باشد ،
-
و کارگران و دهقانان و خلقها نیز همین تکرار می‌کنند ، آنها در درجه اول و با مسالت تمام اینها را از شما می‌خواستند و می‌خواهند ، ولی شما به آنها اتهام داد انتقامی زدید ، کنک و شکنجه را برآنها روا داشتید و کلوله و توب و نانک بر آنها فرستادید !
اگر گفتن این حقایق فتنه‌گریست ، آری سیار خوب آقایان شما در ادامه راه تمام دیگناتورها و شما همیشه ای که برعلیه خلق اندام کردید و سرانجام رسوا شدید ، آزادید ! ولی ما هم آزادیم و این آزادی جیزی نیست که شما بتوانید از ما بکریب همچنانکه محمد رضا شاه نیز نتوانست بکریب ، ممکن است بورش شما ، تهماجشم ، در کار ما اختلال ایجاد کنید همچنانکه کرده است ، و ممکن است آقای بازرگان چند صباخی دلخوش باشد که روزنامه ها و مجلاتی که ماهیت ایشان و اعمال و کرداریان را افشا کنند دیگر "مزاحم" نیستند و چه خوب است که نیستند ! ولی ما از رنج و ستم بی پایانی که بر زمینه‌گران می‌رود الهام می‌کنیم ، و بهمین دلیل این چشم خشک شدنی نیست ! ، و این را دولت سرمایه‌داری و شما مرتجلین همdest این دولت باید بداند !

اگر امروز دلخوش شما بر توهم و نا آکاهی می‌باشید که توده است که گمان می‌کنند شما خواسته‌هایتان را برآورده خواهید ساخت فردا که این تودها بی‌برند که شما قادر به پاسخ گویی به نیازهای انسانی آنان نیستید ، همانطور که شما را بالا برده‌اند بله‌ند که چگونه از آن با لایه زیرتان کشند ! و تاریخ سیار از این نمونه‌ها دارد ! و شما با بستن روزنامه های انتقامی و جلوگیری از پخش علني آنها قادر نخواهید بود از این سرنوشت حتمی خودجلوگیری کنند . هزاران هزار دست کوچک و بزرگ به کار خواهد افتاد و تکه‌کاغذها و دیوارها را ، و ستوهای کوجه و خیابان را بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱ پیکار در دوره جدید اختناق شده اند از فلم توقيف نیانداخت ! و معلوم شد که ارجاع از این مشاطگران خائن به خلق بازم خیانت بیشتری را انتظار می‌کند !
در رابطه با هجوم به حرمیم آزادی مطبوعات آیت الله خمینی عنوان می‌کنند که : "... برای اینکه به مردم عالم بفهمانیم و مردم بفهمند که با چه اشخاصی روپروردیم آزادی دادیم آنهم آزادی مطلق که در طرف چندماه قریب ۲۰۰ حزب و گروه پیدا شده است و مطبوعات و مجلات و روزنامه های زیادی منتشر شد و هیچ کس جلوگیری نکرد و در عین حال که شما به همه مقدسات ما توهین کردید و در عین اینکه با حکومت آنطور رفتار کردید و با اسلام آنگونه رفتار نمودید معاذالکعبه شما تعریض نشد تا اینکه فتنه را دیدیم ..."
مردم مستعدیده ما و شام مردم آزاده " جهان می‌دانند که آزادیهای بدست آمده در جریان انقلاب را کسی به آنها عطا نکرده است . بلکه این حامل خون دهها هزار شهید این انقلاب است . این حاصل بیش از یک‌سال در دفعه از آرمان طبقه کارگر انجام داده بودند پس از قیام نیز در ادامه همین راه ، در ترسیم و آکاه ساختن بازهم بیشتر خلق شلش کردند ، و بدین وسیله شنان دادند که با رسیدن به آزادیهای علني و با استفاده از امکانات علني مجتبیان دفاع از منافع تودها را تا بهروزی نهانی ادامه مخواهند داد . برای این شیوه های انتقامی آزادی - های نسبی بدست آمده مانند فرمت طلبان و فیضان نیمه‌راه و میوه‌جیان اینقلاب جیزی نبود که در پرسوایه آن لم دهد ، و فریاد برآورند دیگر تمام شد ، دیگر به آزادی و استقلال رسیدم ! نه هرگز ! شیوه های واقعی انتقامی نمی‌توانستند بر سر تودها کلام بگذارند . آنها نمی‌توانند وجود سرمایه داری وابسته را ببینند و به خلق خسود دروغ بگویند که دشمن نابود شده است . آنها نمی‌توانستند بازگان ها را که تا چند ماه پیش طهر بودند با اینی ها این توکران حلقه بگوش آمریکا همکاری کنند بر سر قدرت ببینند و تودها را فریاد دهند که اینست "دولت انتقامی" . آنها نمی‌توانستند ...
آری اگر توجه به این حقایق از نظر شما فتنه‌گریست ، ما فتنه گریم . شاخان بسا می‌گفت : شما خرابکارید و راست هم می‌گفت ما در نقشه‌های ضد خلقی اوپرعلیه مردم مستعدیده خرابکاری می‌کردیم . ما فشار و قدری و نوکری او را افتشامیکویی بنابراین او حق داشت ما را خرابکارینا مدد و امروز ما ۷ ماه است که می‌گوشیم : - صنایع وابسته و بانکها باید ملی شود (نه) دولتی " که شا کردند !"

بقیه این خلقهای آکاه ما و شام شیوه های انتقامی و مترقبی تحقیق قضاوت خود را در چندماه ایام داشته است . بارها وبارها مجلات و روزنامه های توطیف افراد مسلح کمیته های بی‌غارت بوده شد . بارها وبارها فروشندهای روزنامه های توسط کمیته های دستگیر شده کنک خورده اند و حتی زندانی شدند ، از جمله ۲۰ هزار چند نفر که از این روزنامه های می‌گردیدند . همچنین روزنامه های اینکه در همان اولین روزهای پس از قیام

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران

پیکار

در سالهای سیاه حقوقان ، در آنرمان که دبی دیکتاتوری بورژوازی وابسته نفشه را در سیمه‌ها جیس کرده سود ، و سیاری از میوه‌چیان امروز انقلاب و عمرده‌چیان فرصل طلب و انقلابی نمای امروز یارای آن نداشتند که حتی اندیشد هیاره را به مفرز خود راه دهند . در آنرمان که بد حمهوریت رسیده های امروز سر در آنور خوشنی داشتند و در کنج خانه سه " فریخه حقظ جان " مشغول بودند و در توجیه بی عملی و سازشکاری شود صد دلیل و آید می‌آوردند و حاضر نبودند " عیش خود را با حواسدن اعلامیه‌ای یا پناد دادن بد یک انقلابی تحت تنتیباواک . منطق کنند ، در آنرمان که سیاری از مدینیان امروز نداشکاری و انقلابکاری ، از مادر و خانواده پک شدند یا زنداشی یا تحت تعقیب همچون یک حمامی فرا و می‌گردند . در آنرمان که پیروزی طلو سر دشمن نا دیدن مسلح خر سوی صعیف که در اینی دور دست کورس سوزد سود آری در آنرمان انقلابیون بودند که این شور غییف را همچون خورشیدی تا بناک بالعیان می‌دیدند و در راه رهانی رحمتکشان و ستمدیدکان خلق سر اثر پا نشانه فعالیت می‌کردند و هیچ آری هیچ اچشاداشتی در برابر این اقدام خود نداشتند .

در رابطه با همس فعالیتها در سال ۴۸ از طرف ساواک تحت بیکری قرار گرفت و جلسه شد ، اما در سازجویی که از او بعمل آمد سرخورد سیار هوشا راهه ای از خود شنان داد و ساواک نتوانست او او به اطلاعی دست بابد و " سو ظن " ساواک را بطریقه ساخت .

رفیق رفعت طی این سالها برداشتی های سازاره جویانه و انقلابی را که سعوان سباب از زمان از اسلام و سیح الملاعه بدت می‌آورد همراه با نفسر جویانات مبارزاتی ایران و منطقه (بومزه نلسن) سوابی بقیه در صفحه ۴

(۱) - دستان و دیبرستان دخترانه روشناء در آن سالها از سوی عده‌ای از افسردار ساراچی و مبارز از فشر مرده جرد ، بورژوازی سنتی ناسیس و اداره می‌شد و خود کافوئیتی سرای فعالیتها خذ رزیمی بود . تعداد اهل توچی از معلمین داشت آموزان رفاه . به سازمان محاهدین طلق و دیگر سازمانهایی مبارز سالهای پیش پیوستند و پوش از آنها به شهادت رسیدند ، از آن جمله اندرونیقات شهدی هوریه پازگران و محبوب متهمین دخواهر شهد سرور آزادی پوش و دید .

این سجن بر مفرز حامل حدین سال کار و سارزه او در راه رهانی رحمتکشان و ستمدیده کان سود . رفسو شبد رفعت در سال ۱۳۶۱ در جایگاه ای رحمتکش در شهر چهلم متوالندند هشوز داشت آموز سود که بدررا از دست دادو چند سال بعد سعوان یک آموزکار ، سفرسیان آور و سربرست مادر و خواهان کوچکتر از خوش محسوب میشد .

در مدرسه سا روحیهای کوکان و خانواده های ستمدیده شهر حبشه آشات گفت و راه علاج را در آکا هی سپتیر خود و مردم میدید .

ار اس رو در روش کردن ذهن داشت آموزان و شنبیوس آنان به مطالعات غیر درسی و خارج از سرمانه می کوشید و در آنان روحیه سازاره بـ جویی علیه هر گوشه ستم را میبروارندو با هنر راکت فعال خود در حلسانی که بروانشهاش نشو و مبارزه چویائه ای اسلام در آنها راهه میشود به تبلیغ میکاره در بین زنان و دختران نیز میبرداخت .

در سال ۱۳۶۲ ه تهران منتقل شد و سعوان ندیر دستان دخترانه رفاه (۱) بکار سمعون گشت . در سال سعد در ارتباط با از رمان محاهدین طلق ایران فوار گرفت و به سعوان سک سبابات فعل ، به آموزش انقلابی و مبارزه خوشنادانه میداد .



رفیع شهید: رفعت افزار

از میان این خیل انقلابیون حسکی نابدر که مکی سدار دیگری بر حساده سرخ اسلاله راه بسیودید و ساوم اس خط خوا را برای بیوستن به دریای اسلام عظیم شوده ها سصم سودید از رفع شهد رفعت افزار باد میکنم که در عشیر سور ماء ۵۴ رسالت انقلابی خود را با سرگ نامه کام خوشن در ظفار بسیور مندادم تیبايان بود و آخر کلام او اس سود : من از مرگ نمی سرم اما مثل داشم شنتر زنده بیانم نا مبارزه ام ادامه دهم !

متوجه شده سکی از موارد سرخورد ناصح و غیر منصفهای که در پوش مذهبی صورت گرفته است . کوشش و اصرار برجی بر مذهبی دانستن عده‌ای رفای شهید بخش . ل (منشعب از) سازمان مجاهدین خلق ایران است . شهادت بک انقلابی اعم از هر مرام و دینی ، کرامی و پیاد او همیشه در خاطره خلق باقی خواهد ماند . بنابراین این اصرار نایجاً خواهد بود که بخواهیم این یا آن انقلابی را که بdest دزهان شاه خان بشهادت رسیده است . بنادرست وابسته به یک حربیان یا سازمان انقلابی معرفی کنیم این چزی بزر مخدوش کردن ذهن توده ها نیست به واقعیتی که وجود داشداست . چیز دیگری نیست خلق ما یاد هر انقلابی شهید را کرامی خواهد داشت بنابراین چه دلیلی به قلب ما هیبت مرا و ملک واقعی شهید وجود دارد !

احترام نظامی در شهر "غیظه" مرکز استان شمین دمکراتیک به خاک سپرده شد. ۲۸-۷-۱۳۵۷ غیرنظامی مسکونی محل کار رفیق هکده ساختمانی "حوف" بود که در موز بیان و عمان قرار گرفته برابع تیر ماه ۱۳۵۷ در پی میدار و هر عصیت اد. و بارها در معرض بمباران و حملات همچنان برتر و دلک هم داشته همچشم شرمن آزادی شدید و حشیانه شیوه‌های ارتشاره و قابوس مزدور هنوز هم بفقدان از این امر داده اند. نیز سازه است.

سالهای فعالیت رفیق رفعت در سازمان مجاهدین خلق ایران، هم‌زمان با تحولات مبارزه انتقامی و دشوار خود ادامه داد. رفیق در قسم ارتباطات و انتشارات سازمان و جماعت کمکهای مالی و تدارکاتی و اطلاعاتی و رسیدگی به خانواده‌های زندانیان و شهداء صمیمه فعالیت می‌نمود و از امکانات علمی خود در راه پیشبرد امر انقلاب و سازمان اتفاقی خود استفاده می‌کرد. طی همین سالها و زمانیکه با جاوده شهداء ایرانی همثمری و همزم خود، در قسم انتشارات سازمان فعالیت میکردازداج نمود.

در اسفند سال ۵۳ پس از دستگیری مجدد شهید فاطمه امینی که خط دستگیری او نیز وجود داشت همراه با خواهرش رفیق شهید دکتر محظوظ افزار به ظفار اعزام شد تا در چهار جوب پسوندهای اتفاقی سین انقلاب ایران و انقلاب عمان در یک اکیپ پژوهشی در جبهه جنگ آزادی‌بخش خدمت کنند.

هر دو رفیق که بطور رسمی با فاطمه چند هفته و با محلهای مناسب از ایران خارج شدند، ابتدا به اروپا و پس از نظرات بخ خارج کشور سازمان و با رعایت جواب امنیتی لازم و طلوبگیری از لو رفتش سفرشان - حتی برای خاسواده - راهی جمهوری دمکراتیک خلق یمن شدند و از خداداد ۵۴ به خدمت در جبهه جنگ و مذاکره‌جوین و بیماران عماقی پرداختند. روحیه رفیق رفعت در برخورد با مسائل انقلاب عمان، درس آموخت و خدمت به شده‌های ستمدیده ای که قهرمانانه علیه امیریالیم و ارتخاع مازره میکنند بسیار عالی بود. او متكلات زندگی در آن محیط را با شوق مینهذرفت و اندواع کمکها و راهنماییها را نسبت به این خلق یمن و سویزه‌زنان رحمتکش و محروم آن سامان علمی می‌نمود.

رفیق پس از چند ماه فعالیت حداده و همکاری و همتشیبی با رفقاء انتقامی عماقی و اتحادیه زنان عماقی و اکیپ پژوهشی که سالهای است بطور مستمر در آنجا خدمت میکنند و در حالیکه به سازمان خود و آموزش‌های آن، بیمارزات مردم ایران و منطقه علیه امیریالیم و ارتخاع شرق میورزید، متناسبه به یک بیماری بومی (یک نوع مalaria ویژه مناطق اقباوس هند) مبتلا شد و پس از دو روز تب شدید، علیرغم تلاش خواهش دکتر محبوبه و دیگر رفقاء همزم آنچه بشاهدت رسید و جنازه اودربیان نثار شدید شده‌ها و اتفاقیون عماقی با

دیده امینی مرکز ناه بود را علیله بازگشت پر پرور

ساخت در رفته و نفت: پر پرور: دیگر رفته و افت شد

بسیار: از و در خود همچنان بعیت نموده از این رفته و افت شد

و عمان همراه گرامی است فراموش همه مردم از این روزه و روزه بود و در رفته و افت شد

فرمینه و بکسری هم از این روزه پس از ده ساله شاهد کار علی دیگر رفته و افت شد

بسیار: از این روزه ساده بست و طلاقه سایه از داشت: همچنان رفته و افت شد

و داشت: همچنان رفته و افت شد

محاتی از دفترچه یادداشتی رفته و افت شد

روزانه رفیق شهید رفعت افزار زد رفته و افت شد

در این دویا داده است، کیفیت

برخورد رفیق شهید رفعت با مسئول

تشکیلاتیش و موضوعاتی که مورد بحث

قرار داده اند، همچنین برخورد او

با رفیق فدائی شهید محمدعلی خسروی (کرسی نیا شده شده داشت) در باره همین تولد و

اردبیلی (که در آنروزها در حالیکه خارش زدن شمع و میهانی از ودهیه بیرون شد) و فخر

آماده رفته به منطقه بود، در اشر

سکته قلبی به شهادت رسید) و توصیفی

که از حالت خواهش رفیق شهید

محبوبه می‌کند و بالاخره دریاد است

دوم، انتظاری راکه از یک کشور

و فرهنگ انتقامی مارکسیستی "دارد

تندیز از این سیاست را داشت" از

میتوان دید.

مهین جزئی همسر شهید بیژن جزئی

بدلیل نامعلومی بازداشت شده است.

پیکار

شده (والیوم) به زندگی مبارزاتی خود
خانم داده از فروع خویش باز استاد و همه
رفقاًی سازمانی و آشایان مبارز ایرانی و
عرب خود را در اندوهن عمیق فربود!

همه ما باد او را گرامی می داریم .
انتقلابیون و زبان و مردان دلیر عمانی که
رفیق محبویه زا بنام "الدکتوره زهرا"
می شاختند باد او را هواهه گرامی
خواهند داشت . زنان و مردان قهرمان و
مبارز جبرم نیز که از رفیق شهید رفعت افواه را با
نمکاری مدرسانی بنا نمی داشته اند
باد رفیق محبویه را همیز خواهند داشت و
همچون توده های خلق در سراسر ایران راه
انقلاب را سرنگونی رژیم وابسته به امپرا -
لیسم ناه مان ، راه انقلاب مسلحه نموده
ای را نا بر با داشتن جمهوری دموکراتیک
خلق ادامه خواهند داد .

بیقه از صفحه ۲

پیکار در دوره
سراسر به بیان دهدگان آنها و نسوان
حقیقت تبدیل خواهند کرد !

اما سختی کوتاه با هواداران
الف - رفقا ! با توجه به اینکه
امکانات قبلي ما برای خبرگیری و چابو
پخش محدود شده استار گله رفقاء
خواهند خواهیم اخبار خود را که به
موش بودن آن اطمینان دارد بپرسیله ای
که می توانند برای ما ارسال دارند . و
بدین وسیله توطئه ارتخاع را در بی خبر
نگه داشتن توده ها از مسائل حاری خشی
سازند ،
- پھر وسیله ای که می توانند امکانات
چاب خود را به اطلاع ما برسانند .
- پھر وسیله ای که می توانند در فروش هر
چه بیشتر نشریه پیکار تلاش کنند ، و به
هر صورتی که می توانند در تکثیر نام
و با برجی مقالات پیکار و پخش آنها
اقدام نمایند !
ب - بخار طر درج بیشتر اخبار و مقالات
در مورد مسائل روزمره ، پس از این ،
مقابلاتی نظری " در افتای سوسیال امپریا -
لیسم شوروی " و " تحلیل سیاسی " در هفته -
نامه پیکار خواهد آمد و ما این نوع
مقالات را که بیشتر جنبه تربویجی دارد و
نشریه ای دیگر که بصورت ماهنامه در می -
آید ، می آوریم .

زنگان
بدنیال پیوش عامل ارتیاج به کتابفروشی
ها و غارت و سوزانیدن کتابها در شهر -
های مختلف ، شب ۵۸/۵/۳۱ دو کتابفرو -
شی "شقق" و "دانش" در این شهر به
آتش کشیده شد .

سازمان مجاهدین خلق ایران مطالباتی می کرد
بوبیزه پس از دستگیریهای شهریور ۵ همراه
با خانواده های زندانیان و شهداء به مطالبات
مبارزاتی و افشاگرایی علیه رژیم می پرداخت .

در سال ۱۳۵۱ به عضویت سازمان مجاهدین
خلق ایران درآمد و نا آنچه که در توانش
بود در بیشتر هدفهای انقلابی سازمان کوشید
و در بخشی از انتشارات و انتشارات پیرنگی
خدمات قابل توجهی داشت . در فروردین سال
۱۳۵۴ چند هفته بعد از عزیمت خواهش رفعت
که مریم و رفیق همزمشود از طرف سازمان
به طفای اعراام شدند از در راسته با پیوند
انقلابی موجود بین خلفهای ایران و عمان
سعوان بزشک در جبهه نزد خدمت کنند .

سازه زده در جهان پنهانی از کار توده ای و
بدور از دشواریهای کار مخفی در ایران که
آن روزها با سیاست خانه گردی ها شدت فوق -
العاده با فته بود ، برای رفیق محبویه
بسیار مناسبتر بود چرا که ضعف عصی ای و
از چندین سال پیش ادامه داشت و او را به
استعمال قرصهای مسکن ناگزیر می کرد .

هند رو رفیق ، ماموریت انقلابی و انسانی
خویش را با شور و شوقي کم نظر انجام
دادند زیرا به خلق عمان و انقلاب و انقلاب
سیون عمانی و صمیمیت آنها و استحکام روابط
انقلابی بین خلفهای ایران و عمان عشق
می وزیدند .

اگرچه پس از چند ماه رفیق رفته به
شهرات رسید اما رفیق محبویه با استقامه
قابل تقدیری این رسالت و وظیفه انقلابی
و تشکیلاتی خویش را ادامه داد .
رفیق محبویه سعنوان یک مارکیست -

لینینستی مدیق ، به در اکبپ بزشکی و چه در
پنهانهای دیگر مبارزه علیه امپریالیسم
و ارتخاع حاکم بر خلفهای ایران و عمان ،
در جبهه انقلاب منطقه خدمت کرد و سپس بر
آساس سیاستهای تشکیلاتی و در نظر گرفتن ضعف
جمانیش به انجام وظایف سازمانی دیگر خود
برداشت . او طی مدت فعالیت خود در روابط
خارجی ، تبلیغات و انتشارات داخلی و خارجی
مسئولیتیها را عینه دار بود .

توانش رفیق از لحاظ جمیانی در رابطه
با وظایف انقلابی ای که داشت محدود بود و
به تدریج از لحاظ عصی به تجلیل می رفت .
تلشاهی داشتی که برای بیهود او از جنیه -

های مختلف صورت می گرفت از معالجه گرفته
تا تخفیف وظایف سازمانی و انتقال از منطقه
به محل دیگر فعالیت تشکیلاتی ، نشایخ
قطعی و دراز مدتی بهمراه ندادشت ، داروهای
مکن که بزشک مصالح و سیز خود او تجویز
می کردند بتدربیج بر غفع جسمی و عصی ای و
ازرود و متایران این شمع که برای خلق
ما می ساخت ، نابهنه کام و در حالی که بشه
وجود او نیاز فراوان بود ، در نیمه ۶۲ ر
ماه ۵۷ با معرف بیش از حد داروی تجویز



رفیق شهید محبویه افزای

در برگردانش این رفیق گرامی گفتار
را که در آذرماه ۵۷ برای بخش فارسی
رادیو مداری انقلاب عمان به پادبود او شهید
شده در زیور می آوریم . رفیق محبویه خود
بسیار آنکه از بخش بزشکی به کار در دفتر
سازمانی بخش منشعب سازمان جا هدین در دعدن
منبعی شد ، مدتی اداره و گویندگی همین
 برنامه رادیویی را بعده داشت .
خطاطه اش جا و دان باد .

★ ★ ★

در شرایطی که نبرد انقلابی خلق های
زمینکش ما هر دم شعله و روش می شود و توده -
های خلق با ادامه پیکره ای نبردو با تقدیم
هراران شهید به آستان پیروزی انقلاب
دیگر ایک خود نزدیکتر می شوند ، در شرایطی
که زنان و مردان زحمتکش می هنین ما همگی بیا
خواسته ، چشم انداز امید بخش آینده
دیگر ایک ایران را ترسم می کنند و ...

در این شرایط . برای ما ناسف بیارو
در دنیا کاست از نقدان نابهنه کام رفیقی باد
کنیم که قریب ۷ سال از عمر خویش را
ممکنه در راه انقلاب گذراندو دشواری های
می بارزه مخفی و تحت تعقیب ساواک و سیاھی -
های خفغان آور ناشی از حاکمیت فد انقلاب
طی سالهای گذشته را بجان خرد و همسواره
پشم به روزی دوخت که در بای توده ها ،
بخروش افتاد و دزهای مذ انقلاب را با قهر
ملحانه خود بکی پس از دیگری فرو کوبید و
به رهبری طبقه کارگر جمهوری دیگر ایک
خلق را پس ایکنند .

رفیق شهید دکتر محبویه افسر از
خانواده ای زحمتکش سال ۱۳۲۹ در جهود دیده
بجهان گشود . کودک بود که بدر را از دست
داد و عمل احت تکفل و تربیت خواهش رفیق
شهید رفعت افزای قرار گرفت و در سال ۱۳۲۳
از دانشکده بزشکی شهران فارغ التحصیل شد .
رفیق محبویه در دوران تحصیل به مطالعات
سیاسی و اجتماعی بسیار علاقمند بود و هرگز
از پاد طبقات زحمتکش و ستمدیده جامعه غافل
سیود . از سال ۴۸ تا ۵۱ سعنوان سیما تیز

پیکار

دزخیمان ساواک ، موجب شد که بارها شدیداً مورد غرب و شتم جلادان ساواک قرار گیرد . پس از آزادی از زندان مدتی در بیک دبیرستان تدریس می کرد . آشناشی داشت - آموزان با افکار و روحیات او چنان علاوه ای در آن بوجود آورده بود که باشندگان خبر شهادتش بسیاری از آنرا با صدای بلند گریه می کردند .

در اواخر سال ۵۳ و همراه با همسر و همزمش رفیق شهید محبوه مت宦ین به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست و مخفی شد و به فعالیت خود در سازمان ادامه داد و همراه با تحولات درونی این سازمان و تنبیر ایدئولوژی بخشی از آن ، رفیق حسن مارکسیسم لنینیسم را پیغامان تنها ایدئو - لوزی انتقلابی سرای رهایی زحمتکشان پذیرفت و با شور و علاقه بیشتری به فعالیت تئکلیاتی خود ادامه داد .

او مشغولیت بخشی از تدارکات سازمان را عهد - دار شد و با تمام وجود اسری فراوان درجهت اهداف انقلابی فعالیت می کرد . رفیق حسن در ۱۱ شهریور ماه ۵۵ در حالیکه رژیم ، از اعدام انتقلابی ۲ مستشار نظامی آمریکائی که بوسیله بخش منشعب سازمان مجاهدین صورت گرفت ، شدیداً زخم خورده و خشکین بسود و تور های پلیسی خود را هرچه بیشتر گشته بود ، در بیک درگیری نابرابر بدست مزدوران رژیم ناه خاشن به شهادت رسید .

شادنش همه کسانی را که او را می - شناختند بشدت اندوهگین ساخت . برای آنها بسیار گران می آمد که چنان فردی انتقلابی و معیمی از دست برود . مرحوم دکتر علی شریعتی داستان " حسن و محبوه " را در مجموع او نوشت .

رفیق حسن نیز به کاروان شهیدان پیوست . مدافعت او و عشق بزرگ او به زحمت کشان خلق ، و کینه او نسبت به ارجاع و امیریالیسم و آرمان او در رهایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برای همه ما سرمنت است .

دو روز در خیابان مورد اهابت ۴ گلوله قرار گرفته و به شهادت میرسد . فاتلان شهید را رها کرده و میروند ولی مشغولیت این قتل را پاسداران بعده نگرفته اند . روز پنج شنبه ۵۸/۶/۱ نیز برادر او علی را در دادگاه انقلاب اسلامی به جرم محارب با خدا و مفسد فی الارض محکمه و اعدام میکنند . نامنبدگان از همواداران سازمان چریکهای بوده و در کرمان فعالیت میکرده اند . سعید قبلا در منطقه پاپدان اکتاب فروشی داشته که حدود بکاه قبیل به آتش کشیده میشود .

توده ها بیشتر آشنا میگشتند . و بر تصرف و کینه انتقلابی او علیه رژیم و اریابان امیریالیستی افزود و او رادر مبارزات اجتماعی ، استوارتر می ساخت . رفیق حسن فردی بسیارز ، متواضع و صبور و خوش برخور ، بسود و همین خلتها می سوده ای و انتقلابی او را مورد علاقه آشنا باشند .

رفیق حسن در اردیبهشت سال ۵۲ در رابطه با پخش اعلامیه های سازمان مجاهدین خلق ایران به عنوان زندان محکوم گشت اما دوره زندان برای او بکاره آموزش سیاسی و انتقلابی بود و موضعگیری قاطع اعلیه

رسه از عده ۵
گمراهن سال ۱۳۶۶



رفیق شهید حسن آladiposh



رفیق حسن در سال ۱۳۲۱ در بیک خانواده سرسط مدھمی در سهران متولد شد . دوران کودکی او محادف با سالهای اوج جنیشه ملی می سفت بود که طی آن ناحدودی و بسلت جزو سیاسی خانواده ، با مثال سیاسی آشنا شد . در دوره دسیرستان در زمینه های اجتماعی و سیاسی ، نموجو اسی فعال بود . در سالهای ۴۲ - ۴۹ در جویا سات سیاسی شرکت داشت . رفقن ، حواسی پرشور ، صمیمی ، ساده زیست و فعال بود . او هرگز از تلاش برای دستیابی به راهی که به آزادی زحمتکشان و ستمدیدگان بسیار حالم غافل ننمانت و در راه میازره با امیریالیسم و عمال آن دمی نباشد .

در سال ۴۴ در رشته معماری داشتگاء ملی به ادامه تحصیل پرداخت و فعالیت مکری و اجتماعی - سیاسی خود را در رابطه با انجمن اسلامی دانشجویان دنیاگرد .

بر آن سالهای خفغان اینجن اسلامی دانشجو - ب ن ، نه تنها مؤسسه نئمه علمی دانشجویی بود که در جهار جوب برداشت های متوجه از اسلام به مبارزه علیه رژیم می پرداخت . چنانکه بسیاری از کادرهای اولیه سازمان مجاهدین خلق فعالیت اولیه خود را از انجمن اسلامی دانشجویان آغاز کرده بودند .

آشناشی او با مرحوم دکتر علی شریعتی در سال ۴۷ تا شیر زیادی برآ و بخشد . رفیق حسن با او رابطه نزدیکی داشت و در مبارزات اجتماعی همراه او بود . عشقی که در رفیق حسن نسبت به توده - های محروم و زحمتکش وجود داشت او را به نلال بیشتر و یافتن راههای قاطع میازره بر - می انگیخت . رفیق از طرق گوناگون برای بالا بردن سطح آگاهی و شناخت خوبی نسبت به جامعه اقدام میکرد و طی سفرهای خود به شهرها و روستاهای میهن ، با درد و آلام

نموفه ای از کشtar آگاهانه کمونیستها

بعد از سخنرانی آیت الله خمینی در هفته قبل ، سیاه پاسداران انقلاب کرمان به خانه ای که مشکوک بوده به منظور بازجوشی میرود . بعد از بهم ریختن خانه علی امیر شکاری را دستگیر میکنند از نامبرده مقداری اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان و لیاس کردی و مواد منفجره بدست می آورند . سعید امیر شکاری بعد از مطلع شدن از ماجرا فرار میکند ولی شفیق میشود به دنیا لورفتن محل اختناق شد -

برقرار باد خود مختاری خلقهادر چهار چوب ایرانی دموکراتیک



جنیش کارگری

ی آنها را از همان زندگی بخور و نمیری هم که دارند بیندازند . مدیر کارخانه که تا حال در انجام تمام توطئه های کثیف خود در مقابل کارگران شکست خورد بود ، بالا خود را در تاریخ ۵۸/۵/۱۹ در کارخانه را بعلت نداشتند بود جه بروی کارگران می بیند .

شورا با وجود تمام این اعمال ضد کارگری دست از مبارزه برند اشته و به استانداری جمهه می کند . آخرین توطئه ای که بشارت و ابراهیمی بکار گرفته اند طرح اخراج ۱۰۰ نفر دیلمه – این دیلمه ها برای کارآموزی و کمک به پایان یافتن مونتاژ پس از عدم استخدام شده اند و همه آنها جزو دیلمه های پیکار اهواز هستند – است . این طرح از آنجایی حائز اهمیت است که تا حال دیلمه ها نقش موثری در افسای توطئه های کارفرما داشته – اند و در این مدت در رشد و آگاهی کارگران نقش موثری بازی کرده اند . روشنگری این دیلمه ها تا حال در جهت افتخار ماهیت و اعمال ضد کارگری ابراهیمی و بشارت بایعث شده که آگاهی سیاسی کارگران بالا رفته و با قاطعیت و پیگیری انقلابی که هیشه در جهت برآوردن خواسته ایشان در مبارزه بسرا علیه سرمایه داران از خود نشان داده اند در هم آمیزد و پشت سرمایه داران بلزه در آورد . ترس از روشن چهره اصلی کارفرماست که او را و می دارد از انسواع توطئه ها استفاده کند تا این نیروی روشگر و آگاه به منافع طبقه کارگر را از کارگرانی که در مبارزه پیگردند ولی بعلت نداشتند شکل و آگاهی سیاسی نمی توانند از آن درجهت منافع خود استفاده کنند . جدا سازند . شورای کارخانه لوله سازی خوزستان با آگاهی به این امر طی جلسه ای همگستگی خود را با صد نفر دیلمه اعلام می کند و در تاریخ ۵۸/۵/۲۳ ، قطعنامه ای ۱۰ ماده ای بشرح زیر صادر می کند :

- ۱- نظارت کامل اعضا شورای کارخانه در کلیه امور کارخانه .
- ۲- تصفیه عناصر ناصالح از محیط شرکت
- ۳- تعیین حداقل دستمزد طبق ضوابط جدید وزارت کار .

بیانیه در صفحه ۸

شورای ضد کارگری کارخانه جنرال موتورز

که این دو نفر دیگر بقول " مجرد " (یکی از نمایندگان شورا) می توانند : فورمن، جنرال . فورمن با مهندس ۰۰۰ . باشند زیرا که بگفته امام همه کارگرند . . . این طرح شورا دقیقاً در جهت به هرز . بودن نیروی کارگران و بخوده کاری واداشتن آنهاست . حتی اگر ترکیب شورای قسمت های کارگری باشد . . . چه برسد به اینکه مهندس و فورمن هم جزو کارگران محسوب شوند . . . که دیگر نور علی نور می شود .

شورای ضد کارگری کارخانه جنرال موتورز برای جلوگیری از اعتراضات و مبارزات صافی کارگران دست به اجرای طرح نازه ای زده است . این شورا که تا کنون کوچکترین کاری بنفع کارگران انجام نداده است ، در مقابل اعتراضات گسترده کارگران ، گسترش شورا را طرح کرده ، بدینترتیب که در کلیه کارگاهها شورا تشکیل شود و ترکیب این شوراها رئیس قسمت باضافه دو نفر دیگر باشد

کارگران از شوراهای واقعی خود حمایت میکنند

کارگریش با کارفرما همدست شده و شروع به مخالفت با شورا می کند . آنها از هر طبقی سعی می کرند تا دست شورا را از دخالت در امور کارخانه کوتاه کنند و آنرا فقط در انتام کار مونتاژ بناقیست . ۷۲٪ از سرمایه شرکت متعلق به سرمایه داری نظام " سید " شورا از کارگران سعی کرد شورا را متهم به سازش با کارفرما بکند ولی این توطئه شوم با اصرار اکثر کارگران ابراهیمی و شارتو پشتیبانی آنها از شورا خنثی شد . بعد از این

جزیران کارگران صعمت در بدست آورد ن خواسته ایشان و استفاده از شورا در این جهت ، خواستار پرداخت مزد ساعت اضافه کاری خود - روزی دو ساعت - در زمان روزیم شاه خائن ، که بشارت آنها را بالا کشیده بود ، شدند . ابراهیمی نماینده دولت ! در کارخانه با وجود تمام مقاومت های نتوانست در مقابل نیروی یکپارچه کارگران ایستادگی کند و مجبور شد که پرداخت طلب کارگران را پیدا برد . پس از چند روز چند کامیون بدستور ابراهیمی و پشا رت برای تخلیه آهن قراضه ها - مواد اولیه کارخانه - به آنها آمدند ولی شورا با دخالت خود مانع از انجام این کار می شود . و بار دیگر ماهیت ضد کارگری ابراهیمی و کارفرما را بهوضوح به کارگران نشان می دهد . کارگران به خوبی درک می کنند که این سرمایه داران حاضرند به قیمت منافع خود صد ها کارگر و خانواره ها -

کارخانه لوله سازی خوزستان در دهه گیلometri جاده اهواز - خوش شهر در حال مونتاژ وحدات است . چهار سال از شروع مونتاژ کاری آن می گذرد و فقط ۵٪ از انتام کار مونتاژ نباقیست . ۷۵٪ از سرمایه شرکت متعلق به سرمایه داری نظام " سید " نفت است . کارگران این کارخانه اکثر " عرب " هستند و چون هنوز شروع به تولید نکرده - است ، اکثر کارگران ، ساده و ساخته انسی هستند .

کارگران این کارخانه در اوج گیری مبارزات توده ها با امتصاب خود به آنها پیوستند و کارخانه بتد ع ماه تعطیل شد . پس از قیام ، کارگران و کارمندان بسر کار برگشته و " شورای کارگران " را بوجود آوردند . شورا در ابتدا توانست با حمایت کارگران ، کارفرما را مجبور به پرداخت حقوق زمان اعتصاب کند . ولی در مقابل ، پشا رت و ایادیش ساكت ننشستند و دست به توطئه های گونا - گون برای بستن در کارخانه و خودداری از پرداخت حقوق کارگران زدند . شورا برای مقابله با توطئه های کارفرما دولت را مجبور به دخالت در امور کارخانه کرد . فرماتدار شخصی بنام ابراهیمی را که برادر فرماتدار سابق اهواز است به تطابیدگی از طرف دولته برای بعده گرفتن مدیریت به کارخانه فرستاد ولی ابراهیمی به دلیل ماهیت ضد

پیکار

شماره ۱۹

بازمی گرداند تا این مدیران متواتند با استفاده از تجهیزات کارگری خود که به قیمت استثمار و مکیدن خون هزاران کارگر بدمست آمد، قوانین ضد کارگری را مانتند رژیم گذشت، هرچه سیمتر به اجرا درآورند و خواستهای حق کارگران را هرچه بشتر پایمال کنند.

اعتراض کارگران پیمانی بندر بوشهر

کارگران بهماشی بندر بوشهر بسدار ۸ ماه بلاتکلیفی و بی جواب ماندن خواهی شده‌اند در تاریخ ۵۸/۵/۲۰ دست به اعتراض زدند. بعلت پاشایی کارگران جلسه‌ای با شرکت‌نمایندگان وزارت کار و شیخ‌بندر، فرماندار و نمایندگان کارگران تشکیل شد. خواستهای کارگران عبارت بودند از:

- ۱- مشخص شودن وضع استخدا آنها.
- ۲- پرداخت اغافه حقوق تعوب شده به آنها.

در این جلسه مسئولین امور شعبه کوهدشت که خواست سوم کارگران تا آخر مرداد برآورده شود و برابر دو خواسته دیگر تا تاریخ ۵۸/۶/۱۵ مهلت خواستند که مورد قبول کارگران واقع شد و آنها بطور مشروط به سر کار برگشتند.

کارگران متحده همه چیز کارگران متفرق هیچ چیز

روز شنبه ۵۸/۵/۶ کارگران رستوران استراحتگاه شرکت نفت که تعدادشان به ۲۰ نفر مرسید دست از کار کشیدند. طبق اعتراض کارگران وجود فضای ضد کارگری حاکم بر محیط کار - نداشتن حق همچو گوئه اعتراض به شکالت‌شان - عدم استفاده از امکانات رفاهی و اقتصادی و بهره کشی و خشانه کارفرما از کارگران و کمود دستزد ذکر کرده‌اند.

در سایه اتحاد و همگنگی کارگران توانستند به خواستهای حق خود جامه مصل پوشانده، کارفرما را مجبور به قبض نشینی و پذیرش خواستهایشان نمایند. مهمنش خواستهای کارگران هارت بود از:

- ۱- افزایش دستزد (حداقل ۵۰۰ ریال تا حد اکثر ۴۰۰ ریال) .
- ۲- تجهیز امکانات رفاهی خوابگاه از آن جمله افزایش تعداد پنهانه، حمام، دستشویی .

۳- بیمه شدن کارکنان و کارگران (بهم کارو درمانی)

۴- کارفرما حق اخراج هیچ کارگری را بدون مشورت با کارگران ندارد .

میکنند و می‌گویند در رژیم گذشته هم کار ۴۸ ساعت بود و آن زمان هم خواسته اند ۴۰ ساعت کار بود . کارگران یکباره می‌گویند ساعت ۴ خواهیم رفت ... اگر سرویس هم ندهند پس از می‌رویم و ... و در برآبردهای که من گفتند جهاد سازندگی هست و باشد کار کنیم و ... جواب می‌دهند که جهاد سازندگی داود طلبی است و اگر هر کسی خواهد بماند مفت کار کند . کارگران حتی آنروز اضافه کار هم نمی‌شنند و همه ساعت ۴ کارخانه را ترک می‌کنند . مدیر اداری در برآبرده عمل انجام شده قرار گرفته و گفته تا مهر اینطوری باشد تا ببینیم چه میشود.

ماشین سازی : هنوز کارفرما ۴۸ ساعت کار را از کارگران خواسته است ولی کارگران بشدت در برآبرده طرح ۱۷۱ موضع اعتراض کرده‌اند و از قبیل آنرا رد کرده‌اند . در قسمت ویخته‌گری نیز کارگران در اعتراض به آشین نامه انتظایی که شورا داده است دست به اعتراض زده‌اند . (در این آشین نامه برای تاخیر ورود ما هانه بیش از سه ساعت دو برآبرد می‌گذرد که در این آشین نامه غیبت کسر می‌شود و برای غیبت غیر موجه بیش از ۵ روز ، کارگر باید دوباره " شروع بکار " نماید آنهم با تأشید شورای محلی و مسئول)

اعتراض به آبقاء مدبوا آن ضد کارگر

چندی پیش خبر مربوط به آبقاء مدیرعامل سا به کارخانه " تراکتور سازی تبریز " و ۲۱ نفر از روسا و مدیران قسمتهای مختلف و حتی رئیس حفاظت کارخانه (سپکتکن) - تائیدی و ...) در پستهای قلی خود اعتراض شدند شورا و کارگران را بدنهای خود می‌آورد . برابر کارگران مجاز " تراکتور سازی " قابل قبول نمی‌باشد که بعد از این همه مجازه بر طیه رژیم شاه جلال و سرمایه داران مانند گذشته این روسا و مدیران در دفتر تراکتور سازی از تراکتور سازی تبریز طبق نامه دولت برای ۴۸ ساعت کار دو هفته هر روز گذشتند کارگران از تراکتور سازی تبریز مدیر اداری بخششان را دارند بر اینکه کارگران باید از روز شنبه ۵۸/۵/۳ در ساعت ۵ بجای ۴ قبلي کارخانه را ترک نمی‌کنند، صادر می‌کند . کارگران اعتراض

بنیاد از مقدمه ۷ جنبش کارگری

- ۴- تهیه دفترچه خدمت وزارت کار .
- ۵- تشکیل کلاسیای آموزشی جهت کار آموزان و تهیه وسائل مورد نیاز آموز
- ۶- پرداخت کلیه مطالبات حق افتاده کارگران .
- ۷- تشکیل انجمن اسلامی برای بساله بردن سطح فرهنگ اسلامی در سطح کارخانه .
- ۸- تهیه برگ خواست جهت کارکنان .
- ۹- دادن حکم رسی به کلیه کارکنان طبق ضوابط وزارت کار .
- ۱۰- لغو قرارداد شق ماده ای تحمیلی کارفرما .

کبریت توکلی

بدنهای خبر قبلي دایر بر توطه‌های توکلی کارفرمای کارخانه کبریت توکلی در بهکار ۱۶ خرین خبر حاکی است که روز یکشنبه ۵/۲۱ بعلت شدن مواد اولیه کارخانه تعطیل شد . شورا غم من مذاکره با استانداری و پرداخت دستمزد کارگران تا آخر هفته کارخانه را تعطیل کرد . روز دو شنبه از طرف استانداری ، مدیر عامل جدیدی برای کارخانه تعیین گردید . بدین ترتیب کارگران در مبارزه خود دولت را مجبور کردند که از کارفرمای توطه‌گر غلبه کرد و خود مدیریت کارخانه را بدست کبریت کارخانه را مادره کنند .

کارفرمای کارخانه صدقیانی دست به اعتکار کبریتها زده است تا قیمت ها را بالا ببرد . کارگران گفته‌اند اگر مدقیانی از این کاربرنده در کارخانه را به روی تظاهرکنندگان بازخواهیم کذاشت تا کبریتها را مادره کنند .

» طبق آخرین خبر رسیده در حال حاضر همان ۴۰ ساعت کار برقرار است و هنوز با فشار مدیر عامل ۴۸ ساعت عملی نشده است .

کارگران کارخانجات قبریز در مقابل زورگویی دولت مقوله می‌گفند

تراکتور سازی : به دنبال بخش - کارخانه در تهران گرد هم آمدند و در مسیر آینده کار کارخانه و کارگران تصمیم گیری کنند . گرچه کارگران کارخانه با میزانات بیکر و قبرهایشان خود مدیران مزدور را اخراج کرده اند ولی " سازمان کشتیرانی و نیازی صنایع ایران " آنها را به ظاههای قلی خود

پیکار

ما رسیدگی کند، ما تصمیم گرفته ایم خود دست به مادره زمینها بزیم . و حالا شما ما زحمتکشان بی مسکن را خاشن و فدا تقابی می نامید ؟ در ساعت ۲ بعد ازظهر همان روز کمیته مزبور بحلت پشتیبانی وسیع رخت - کشان بی مسکن از نمایندگان خود و سه تن دیگر از دستگیرشدگان ، مجبور می شوند که آنها را ۲ زاد کنند . لیکن همان روز در محلات دیگر شایعه می کنند که زمین مذکور بین کارگران تقسیم می شود . واوا بن طریق سخی می کنند زحمتکشان محلات دیگر را در مقابل شورا قرار داده و تولید اغتشاش بکنند . البته تا حدی هم موفق می شوند بطریقه حدود ۱۵۰ نفر از مردم محلات اطراف را جمع کرده و برای فریب آنها تکه کاکنی به عنوان قولنامه به آنها می دهد در این جریان اعفای نمایندگان شورا جمع شده و با برگزاری جلسات متعدد دست به افتگری بر علیه روحانیوشن که به باری "قلی بور" و دلالان آمده و همچنین کمیته که آلت دست اینهاست می زندن . سه شورا دریک طرح تاکتیکی به موقع به اعفای خود نیز از همان به اصطلاح قولنامه ها ! می - دهد و بدینوسیله از رو در روش کارگران ناگاهه با اعفای شورا جلوگیری می کند . البته هنوز مشکلات زیادی در سرمه و حسود دارد و بعنایون مختلف سعی می نمود شورا را از مسیر اصلی خود منحرف سازند ولیکن از آنجاشیکه کارگران و زحمتکشان بی مسکن محله "هفت آباد" تبریز فهمیده اند که دولت کشوری بجهج وجه نمی تواند با سخکوی شیازها و خواسته ای برحق آنها باشود و نهادن اینها را بالا زده و به مادره و تقسیم زمین بین خود پرداخته اند

۵۸/۵/۲۴

این موقع عده ای از دلالان و ماموران کمیته - ها برای فربیز زحمتکشان در محل شایعه می کنند که "قلی بور" این قطمه زمین را به "آبت الله شریعتمداری" داده و هر کس به این زمین تجاور بکند مد انقلاب است ، که بعلت همین تبلیغات و تفرقه افکنی ها خانه سازی ، برای روشن شدن این مسئله حدود ۲ هفته عقب می افتد . در همین زمان نمایندگان شورا مطلع می شوند که "قلی - بور" مخفیانه دست به فروش زمین مذکور به دلالان زده ، از این‌رو نمایندگان و کارگران را جمیع کرده و در جلسه‌ای تصمیم می - گیرند جمیع شب ۱۲ مرداد بعد از غروب جمع شوند و شبانه خانه سازی را شروع بکنند و این تصمیم را اجرا می کنند . شنبه ساعت ۱۰ صبح بکاکنه از افراد کمیته شماره ۴ به محل می آیند و کارگران را با اسلحه تهدید کرده فرمان متوقف کردن ساختمن سازی را می دهد ، کارگران و نمایندگان در مقابل آنها ایستادگی کرده و شیوه ۱ اعترافی می کنند و در مقابل اسلحه کشیدن یکی از افراد مرتضع کمیته بروزوی یکی از ریش سفیدان به کمیته‌چی حمله کرده اسلحه اش را پس می زندن . یکی از کارگران که با کلت تهدید شده بود به مامور کمیته حمله و شده می گوید "ما انقلاب کردیم . و مبارزه مابودکه اسلحه را بدست شماد ، حالا شما برروی ما اسلحه می کشید ؟" در این میان کمیته‌چی ها ، ۲ تن از نمایندگان شورا را دستگیر کرده و به کمیته می بردند . سایر زحمتکشان بظاهر پشتیبانی از نمایندگان خود ، جلوی کمیته شماره ۴ دست به اعتراف می زندن و خواستار آزادی نمایندگان خود می شوند ، که افراد کمیته بیرون آمده و ۳ تن دیگر را دستگیر می کنند . در کمیته چند روحانی و بکسر و مامور کلانتری به اتفاق شروع به بازجویی از کارگران می کنند . مسئول کمیته که یک روحانی بود کزارشی را که شورا از وضیعت زحمتکشان بی مسکن مطلع تهیه کرده بود گرفته و می - خواست ، وقتی جمله "شورای زحمتکشان بی مسکن" را در پای ورقه می بیند ، می - گوید "هان ! پس شما کمیونیست هستید ، فکر می کنید اینجا کشور کمونیستی است که شورا تشکیل داده اید ، دستور می دهم شما را به توب بینندن" . کارگران اعتراض کرده می گویند : هر کاری می خواهد گیرد ، سالهایست که بدون سرپناهی زندگی می کنیم و این درحالی است که سرمایه دارانی چون "قلی بور" و ... هزارا ب متر زمین و ساختمان های دیگران را در دست دارند و حالا که می بینیم دولت املا نمی خواهد به وضع

باقی از صفحه ۱
زحمتکشان تبریز مسکن می خواهد

کنند . سین اجاره نشینیای دیگر نیز تصمیم به اینکار می گیرند . آنها می گفتند " ما امکان سداریم ماهی ۲۰۰ تومان اجاره خانه بدیم ". بدین ترتیب ۲۵۰۰ متر زمین بین ۲۱ خانوار تقسیم می شود . در این میان یک روحانی که خود دارای ماسنین ، مغازه و خانه است می رسد و به مجرد اینکه از قصبه آگاه می شود شروع می کند به سخنرانی که " این زمینها حرام است و شما نباید اینکار را بکنید " و از این قبيل حرفها ، لبکن کسی اهمیتی به حرفها ای او نمی دهد . فرد روحانی چون نتیجه‌ای از کارشناسی - گردد این بار خود نیز طالب قطعه زمین ۲۰۰ متر می شود ، بعده دوباره آنها که در کران برای خود می خواستند ! که در اینجا زحمتکشان محله می گویند ، " زمین برای اجاره نشینهاست نه برای تو " . و کارخود را آدامه می دهد . پس از مدتی روحانی دیگری آمده و کارگران را به خانه خود دعوت می نماید . حدود ۳۰ نفر از کارگران و زحمتکشان محله به خانه او می روند روحانی مذکور به اتفاق ۱۰ روحانی دیگر که در خانه بودند همکی حرکت کارگران را مکحوم کرده و می گویند " ما می رویم اداره ثبت و شماره زمین را بیدامی کنیم ، شما نیز بولی به صاحب زمین بدهید " . ولی کارگران قبول نمی کنند و می گویند " ما نمی خواهیم با دست شما کارمان درست شود ، اینکه می گویید در چشمی سوزید ، حالا هم مادر جهنم هستیم ، ما خانه می سازیم و می نشینیم " . یکی دیگر از کارگران گوید " شما که اینهمه خانه دارید و سرمایه داران که اینهمه زمین دارند چرا در چشمی بسوزیم ؟ " بدین ترتیب از خانه بیرون آمده و می گویند " زمین را باید در چشمی بسوزیم ؟ " بدین ترتیب از خانه بیرون آمده و می گویند " زمینی که ما مصادره کردیم مال خودمان است ، والسلام " . سه کارگران از اداره ثبت در مورد زمین " قلی بور" تحقیق کرده و متوجه می شوند که برخلاف گفته روحانیون فقط قبله بسی زمین (۱۲۰ متر) بنام زمیندار بزرگ " قلی بور " است و باقیه را تصرف کرده . بعد از این جریان ، کارگران و زحمتکشان محل " شورای زحمتکشان بی مسکن " را تشکیل داده و نمایندگانی انتخاب می نمایند تا بر تقسیم عادلانه زمینها نظارت کنند . کارگران مبارز " هفت آباد " تصمیم می - گیرند که خانه سازی را شروع بکنند که در

آگاهی، نایود کننده ارتقای جمیع است

پیکار

شماره ۱۹

همچنین یکنفر حاجی چهارصد دست لیسا کردی (شلوار پانترور) برای پاسداران دوخته بسود که وی را دستگیر و به سردشت بیفرستند . یک نفر از ۱۵ دستگیر شده ایلا با تهران بوسیله بی سیم مستقیماً در تماس بوده .

۱۵ - رون و پودر رختشویی در کردستان یافت نیشود و مواد سوختی (نفت و بنزین) کمیاب شده که البته جیره بندی شده است .

۱۶ - در سفر نیروهای سیاسی ابتدا نی خواستند مقاومت کنند و شهر را به چند بکشانند که باع کشتن زنان و کودکان میشود ولی مرد خود با غنائمی شکاری قدیمه به ارتش که در ۵ کیلومتری سفر بطرف شهر در حرکت بود حمله میکنند . پیشمرگها هم مجبور میشوند به شهر برگردند و مقاومت کنند جنگ به خیابانها و خانه های شهر کشیده میشود .

کسانی که جنگ سفر را دیده اند آنرا حمله ای از شهادت و پایداری مردم دلخواهان ماند .

۱۷ - حدود ۱۰۰ نفر از عناصر مبارز و انقلابی در سرستنگ از روی لیست تهیه شده توسط مقتیزاده تا کنون دستگیر شده اند که چند تن از اخدا شورای شهر در میان دستگیر شدگان هستند و خانواده دستگیر شدگان مخصوص شده اند . همچنین در سفر ۳ نفر از عوامل مقتیزاده در حالیکه

نقاب بر چهره داشتند همراه پاسداران سرای دستگیری میازرین خانه به خانه میگشند و حتی در منازلی که نوار کردی و کتاب موجود بود صاحب خانه را دستگیر میکردند بقرار اطلاع برای مهاباد هم لیست ۲۰۰۰ نفری برای دستگیری تهیه کردند . اینها نشان میدهند که یکی از هدفهای عده دشمن سرکوب جنبش از طریق دستگیری و اعدام عناصر مبارز و انقلابی و شهرها و روستاه کردستان است .

۱۸ - در شهر نقده در هفته اخیره نا شهریور لیست اسامی کلیه افراد مبارز و انقلابی بعنوان عناصر ضد انقلاب به در و دیوار شهر زده شده است و اینکار باعث مخفی شدن و رانده شدن افراد مبارز از شهر شده است .

۱۹ - سلارتی معنی دارد از سه طرف (جاده رضائیه - جاده میاند و آب و جاده بوکان) و شاید باضافة جاده پسنه که کوهستانی است با حدود ۱۲۰ تا ۱۴۰ کیلومتر مجموع به مهاباد حمله کند و برای همین حاطر ریش میتقر در محمد پار (۲۵ کیلومتری مهاباد در جاده رضائیه) منتظر نیروهاست .

های مستقر در میاند و آب حمله را شروع کنند ،

البته یکی دوبار حدود ۱۰ کیلومتر جلو

شده و عقب نشسته است .

پیغمه در صفحه ۱۲

"کلوان" و "علی آباد" (نزدیکی پادگان و ده جلدیان) می آیند که با مت و حشت زنا ن و کودکان میگردند و خصر همان روز از طریق ده کوران به نقده بپیگردند درده "قارنا" یک نفر با آنها غلط درگیر میشود که بوسیله آنها ضربه میگرد (بنا بحوث اهالی این سه ده پیشمرگها تا حال به این مجاهد نها حمله نکرده اند زیرا اهالی از بیماران دهات می ترسند .

۷ - روز جمعه (۶/۶) شیخ عزالدین حسینی عمامه وعا را از تن بیرون آورده و لباس کردی پوشیده و با مسلسل کلاشنیک در مهاباد نماز گزارد که مزد م مهاباد و دهات اطرافش برای نماز آمده بودند .

۸ - در دو درگیری بین پیشمرگان کرد و مجاهد نهادهای حسنی که (از نقده آمده بودند) در حوالی جلدیان ۳۵ پاسدار کشته و ۴ پیشمرگ کرد زخمی میشوند (حمله از جانب پاسداران شروع میشود) .

۹ - رادیو مهاباد بعد از پخش چند پیام شیخ عزالدین حسینی و حزب دمکرات از تهران دستور تعطیل آن داده میشود ولی مردم به ایستگاه رادیو رفتند و خواهان باز شدن آن میگردند ، اما دستگاه ده کیلومتری بوسیله عوامل رژیم روده میشود و بدنهای آن به سفارش مرکز (تهران) از رضائیه فرستنده ۲ کیلومتری به رادیو مهاباد می دهند که الان ساعت ۱۲ صبح برنامه دارد با برآورد حدود ۱۰ ساعت ۵ کیلومتر میباشد (کارکنان رادیو اکثرها محافظه کارو حزب دمکراتی هستند) .

۱۰ - بعد از پخش سخنرانی آیت الله خمینی که شیخ عزالدین را فاسد خواند - بود از ساعت ۹ شب (بالاگله بعد از پخش این سخنرانی) تا حدود ۲ بامداد در مهاباد تظاهراتی پنفع عزالدین حسینی برپاشد .

۱۱ - شیخ عزالدین حسینی در پیک پیام گفت حال که دستور حمله ارتش به کردستان داکه میکند که باع عقب نشینی این نیروها به شهر میگردند و پیش مرگها به شهرها رسیده اند . در این حمله بخطا استفاده از توب که از فاصله دور صورت گرفته بود پیش مرگها تلفاتی نداشتند .

۱۲ - روز شنبه (۶/۴) پیش مرگان کرد به نیروهای ارتشی و پاسداران مستقر درده (سه را) ۱۵ کیلومتری سفر بطرف بوکان و حمله میکند که باع عقب نشینی این نیروها به شهر میگردند و پیش مرگها به شهرها رسیده اند . در این حمله پیش مرگها تلفاتی نداشتند .

۱۳ - دو شنبه (۶/۵) شیخ چهارشنبه شنبه پادگان جلدیان توسط تپخانه پیشمرگان کرد مستقر در جاده های اطراف پادگان مورد حمله قرار میگرد که ۶ ساعت بطول می انجامد که با رسیدن صبح و روش شدن هوا پیش روی پیشمرگها که به نزدیکی پادگان رسیده بودند متوقف میشود . تعداد تلفات افراد پادگان ۱۸ تا ۲۸ نفر برآورد شده است .

۱۴ - چهارشنبه (شیخ پنجمین) ۶/۲ برای باردو م پادگان جلدیان مورد حمله پیشمرگها کرد قرار میگرد که حتى بداخل پادگان هم نفوذ میکند و تاکیا و خود روها را منهدم نمیکند .

۱۵ - روز شنبه (۶/۶) دو تانک با حدود ۳ پاسدار به دهات "قارنا" و

پیغمه در صفحه ۱ که سه روزه ای حنگ مزنتند و هر کو .

حوالی سه روزه ای حنگ مزنتند و هر سه تا نیز حصل طبیعتی و عصیانگی تاریخی سا س اعلام اتحاد و امیرالیسم افاده اند و از نیزه کفر الدین روح ای حوش بظاهر سفع سیرالسم و سرطه اتفاق و ایده های متفرق ایستاده میکنند . اینکه ... اما مس اهد و ویدرگ این مسائل نیتواند و نباید فقط باعث ناش و ناوف م شود بلکه میایستشی سرو و توں ما را جد سرا برگزینی بر عیشه امیرالسم از اتحاد سارزه کنیم و تغیر عب ماسه و ای ای نیایندگان خرد بورزوی مرده را که ایک آکاهانه و نااکاهانه در خدمت امیرالیسم مرار گرفتند ، افشا کنیم و در یک کلام و سه وسیله ای ذوستان و دشمنان توده ها را بانها شان دهیم و راه را از چاه برای آنها بازتستیم . این کاریست سیار شاق و منکل ولی بهر حال شدنی و ممکن .

۱ - روز شنبه (۶/۳) به نیروهای ارتشی مستقر در راه نقده (نزدیک محمد پار) ۳۵ کیلومتری مهاباد توسط پیش مرگهای کرد بوسیله خمیره و توب حمله میشود که ۳ تانک و ۱ آمبولانس و ۱ جیپ ارتشی منهدم میگردد . در این حمله بخطا استفاده از توب که از فاصله دور صورت گرفته بود پیش مرگها تلفاتی نداشتند .

۲ - روز یکشنبه (۶/۴) پیش مرگان کرد به نیروهای ارتشی و پاسداران مستقر درده (سه را) ۱۵ کیلومتری سفر بطرف بوکان و حمله میکند که باع عقب نشینی این نیروها به شهر میگردند و پیش مرگها به شهرها رسیده اند . در این حمله پیش مرگها تلفاتی نداشتند .

۳ - دو شنبه (شیخ شنبه) ۶/۵ تعداد زیادی پیشمرگ کرد به پادگان سفر حمله میکند .

۴ - سه شنبه (۶/۶) شیخ چهارشنبه شنبه پادگان جلدیان توسط تپخانه پیشمرگان کرد مستقر در جاده های اطراف پادگان مورد حمله قرار میگرد که ۶ ساعت بطول می انجامد که با رسیدن صبح و روش شدن هوا پیش روی پیشمرگها که به نزدیکی پادگان رسیده بودند متوقف میشود . تعداد تلفات افراد پادگان ۱۸ تا ۲۸ نفر برآورد شده است .

۵ - چهارشنبه (شیخ پنجمین) ۶/۲ برای باردو م پادگان جلدیان مورد حمله پیشمرگها که به نزدیکی پادگان رسیده بودند میکند و تاکیا و خود روها را منهدم نمیکند .

۶ - روز سه شنبه (۶/۶) دو تانک با حدود ۳ پاسدار به دهات "قارنا" و

صدای رگبار می آمد . فانتوم بسراى اولین بار دیوار صوتی را شکست و تمام مردم وحشت زده بودند و نمی دانستند که چه باید بکنند . شها موتب پاسارها . نورافکن می انداختند که تمام شهر روش می شد . فانتوم هرده دقیقه یک بار دیوار صوتی را می شکست صدا بشی نهایت وحشتناک بود . صدای رگبار گلوله از هر طرف می آمد . تا صبح مرتبی دیوار صوتی هرده دقیقه یکبار شکسته می شد و مردم وحشت زده از خواب می پریدند . و در کوچه ها با به فرار می کذاشتند . شدت شکستن دیوار صوتی بدی بود که شما ساختمان . ها نکان می خورد . همه به زیرزمینها پناه می بردند . و هربار خاک تنه فضای اطاقدا را در برمی گرفت . نصف شب خبر رسید که پاسارها جلوی آمبولانس را می گیرند و مانع بردن متروخین به بیمارستانها می شوند . در میان صدای وحشتناک شکستن دیوار صوتی و صدای رگبار گلوله ها مردم شبرا به می رسانندند . صبح جلوی در بیمارستان مملو از جمعیت بود که خبر رسید همه باید بروند و افرادی هم که در بیمارستان هستند باید بیمارستان را ترک کنند ، زیرا حمله ارتش و پاسارها به بیمارستان بسیار زیاد است و احیاها گروگان گیری می کنند . زیرا در مناطق دیگر کردستان ارتش و پاسارها دست به چنین کاری زده بودند . مرتب بروی پاسارها نیروی تقویتی می آید . مردم نمی دانستند که چرا پاسارها یعنی گونه مانند مغولها حمله می کنند . هر دو ساعت یکبار خبر می رسید که پاسارها آمدند و مردم از ترس بکوچه ها می - ریختند و فریاد می زدند و خدارا قسم می دادند که کاری بکند و به اصطلاح خودشان آب روی آتش بزید !!

اولین عید کردها بعد از بهار آزادی در سنجاق بخار و خون کشیده شد ! دوین عید درواقع اولین عید مذهبی آنها در سفر بخار و خون عجین شد ! مردم بهیج عنوان تجزیه طلبی نمی خواهند . اگر چنین بود براحتی با کردهای عراق تماس می گرفتند . مردم خود را ایرانی می دانند و ایرانی نیز هستند . دولته

گزارشی از درگیریهای شهر سفر

فرماندهان از خلق مهیا کرده اند هنر پاسارهای ناگا مدوی ساخته اند !

روز چهارشنبه ۲۱ مرداد ساعت ۱۵ دقیقه به چهار بعد از ظهر هلیکوپترهای ارتش بر فراز شهر به پرواز درآمدند . مردم وحشت زده به طرف می دویتد ... اول عدهای زن و کودک به روی پل محلی که جاده سندج را به تقریب و میکند جمع شده بودند . می خواستند از حمله مسلحه پاسارها به شهر جلوگیری کنند و بلندگوهای مساجد مردم را به تھن در میدان عقاب دعوت می کرد . از درون هلیکوپترها بدون توجه به حمله مردم شروع به تیراندازی نمودند . و از تھن مردم بدور میدان عقاب جلو - گیری کردند . مردم وحشت زده به روی پشت باها رفت و حمله هلیکوپترها را شما می کردند و نگران از وقایع شومی که در انتظارشان بود . اولین شهید زنی بود که جلوی پنجه ایستاده و پرواز هلیکوپترها را تماشا میکرد . مردم ناخواسته درگیر جنگی نا برابر شده بودند . مردم در عین حال بکه طالب جنگ نبودند ولی در مقابل عملاتی این چنین ، تصمیم به مقاومت گرفتند و بهمین دلیل در زمان حمله طلیکوپترها عدهای از جوانان شهر به جمع آوری ملاffe برای درست کردن باند و گاز مشغول بودند . این افراود سایل جمع آوری شده را بوسیله تاکسی بسار عمل می کردند که عدهای از آنها بر اثر شلیک گلوله توسط پاساران که از درون هلیکوپتر تیراندازی می کردند ، شهید شدند . پاسارها به فرمانده پادگان گفته بودند که من خواهند در پادگان مستقر شوند ولی فرمانده اجازه نداده بود . فرمانده پادگان با امام جمعه شهر سفر برای مذاکره می روند که پاسارها به فرمانده ارتش سفر حمله کرده و او را شهید می کنند ! بیمارستان براز زخمی بود . آمبولانس متروخان دوطوف درگیر در جنگ را به بیمارستان حمل می کرد . بسیار اول پاساری جلوی ماشین آمبولانس حامل متروخان ، خمراه اثنا هشت بود

★ - در تاریخ ۸/۶/۸ در میاند آبیک گروهیان ارتش طی یک نزاع بدبست یک لومین کشته شدند . ملایان شهر شایع گردید اند که این گروهیان بدست کوئینستها کشته شده و باین ترتیب ضایق فراوانی برای عناصر آگاه در این شهر بوجود آورده اند .

فاسیسم ، با استفاده از احساسات پاک مردم ناگاه

حمله ارجاع به آزادی که با تحریک مردم ناگاه ، و با رهبری عناصر مشکوک صورت می گیرد و غالباً با سوء استفاده از احساسات مذهبی توهه مردم همراه است . در شهرهای کوچک که اکثر مردم بکار میشناسند شکل خشن تر و سی برداشتی بخود می گیرد . بخصوص آنکه در سیاست از شهرها از مدت‌ها قبیل ، در فضای سیاسی اخیر سیاست از اشخاصی که دارای انکار مترقی هستند ، شناسایی شده اند و با استفاده از محلهای عمومی مانند مسجد و ... ، تبلیغات مسحوم کننده ای بر علیه آنها ، برای افتاده است . اراک نیز در این هفته شاهد چنین حمله ای بود . روز شنبه ۲۷ مرداد ماه ، به دو کتابخوشی شهر که نشریات غیر مذهبی می فروختند ، بیرون برداشتند . و پس از آن عصر سه شنبه ۳۰ مرداد ، بطوط مذاقام بخانه های افرادی که قبلاً شناسایی شده بودند ، حمله شد . شکل حمله بخانه ها بسیار ناچواعنده اند بوده و عناصر مشکوک ، مردم ناگاه و پاسداران انقلاب اسلامی ، بی محابا به خانه فرد مردم نظر را که گاهه حتی نوجوان سیزده ساله ای است می زینند افراد خانه را کنک می زینند ! فحاشی میکنند کتابها را . پاره می کنند و آتش میزنند و میبرند و اگر شخصی بود تعمیق در خانه باشد اورا می برند . تا امروز (پنجمین) عده ای دستگیر و عده ای فراری شده اند ، تامامی این اعمال فاسیستی بنام " اسلام " و " انقلاب " صورت می گیرد و این سئله خود بسیار خطیر ناک است . سوء استفاده از عواطف مذهبی مردم ، برادر را در مقابل بزرادر قرار دادن ، سرکوبی عناصر مترقی و هزاران عمل کثیف و غریبانسازی دیگر صورت مگیرد . مطوعات نیز سرکوب شده اند تا مردم ایران مداری یکدیگر را نشوند و خبردار شوند که در شهرهای بنام " انقلاب " چگونه به انقلاب و شهدای انقلاب خیانت میشود . ننگ و غربت بیرون مرجعیان .

مردم می گویند این برادرکشی را امپریالیسم برای انداده است . سالهای سال است که کرد و ترک و فارس در کنارهم زندگی می کنند .

- عده ای از پاسدارها در حالیکه لباسهای کردی بتن داشتند ، در تناکرهای نفتی همراه با مقدار زیادی سلاح مخفی شده بودند . قبل از اینکه در گیری شروع شود اتوبوسهای حامل پاسداران در حالیکه نظاهر به دانشجو و دانش آموز بودند می کردند و سلاحهایشان را در اتوبوس جاسازی کرده بودند وارد سقر شدند و اینها همه توسط مردم خلیع شده بدون ایکه کوچکترین آسیبی به آنها برداشتند .

شیخ عبدالقادر کهنه پوشی مرتعج است .

اتحادیه دهقانان مریوان و اورامان طی اعلامیه ای به افشا شکنی از عوامل مرتعج محلی برداخته و می نویسد :

در برنامه رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی درباره خواست مریوان ، شیخ عبد - ا - قادر کهنه پوشی سیار مورد توجه شده - کنندگان قواره گرفته بود و چندین بار روی محنت آمد و علیه مردم مریوان ، اتحادیه دهقانان و مبارزان اطهاراتی نمود .

البته سوابق شیخ عبدالقادر در مخالفت با دهقانان ، غصب زمینهای روستایی " حسن آوله " بوسیله جمل انگشت ، تقديم باغ به رشیس ساواک مریوان ، قطع آب چشمی روستای مزبور و اختصاص آن به باغ رشیس ساواک بر همه مردم مریوان بخصوص دهقانان روشن است . سندی از این شخص در دست است میتوان برای انداده این تظاهرات بینشی از شاه مخلوع در زمانی که ازت شد و مددخواهی از ژاندارمری برای محافظت از او و اموالش در مقابل حملات روستایان و معلمان پیشو از روستاهای مریوان .

بنده از صفحه ★ - در تاریخ ۸/۶/۸ ارتش یکی از دهات نزدیک مهاباد بنام کهنه دز (که در کنار کهنه زیر قرار دارد) را با نوبهای ۱۲۵ می امیری بیاران کرده که طی آن ۵ نفر کشته و عده زیادی زخمی شده اند . برآسان گزارشات رسیده در این حادثه عده ای از زنان و کودکان دست ویای خود را از دست گرفته اند .

کردستان در آتش و خون
بنده موقت و با قیام نده ارتش کرد فروش

با رازانی ، این وابستگان به آمریکارا شدیداً مسلح کرده اند و نیروی آنها را برای سرکوب خود مردم استفاده شده است . زیرا آنها خیلی خوب به منطقه وارد هستند . دولت فتووالهای محلی را مسلح نموده نا آنها کشان را به غارت بریند . دولت از سیروی قیاده موقت ، فتووالهای مرتعج محلی ، پاسدارها و ارتش برای سرکوب کرده استفاده می نماید . مسئله جالبی که بینظر می رسد ، این است که پاسدارها شما جوان هستند و حدود سی شان ۱۹ - ۱۸ ساله می باشد . دولت از نا آنها استفاده می کند . در بیمارستان وقتی از محرومین پاسدار سوال می شد که جرا آمدی به کردستان ؟ می گفت برخلاف استوار و برخلاف آنچه می بینیم بما گفته اند در کردستان سر می برند ولی می بینیم درست اوضاع بر عکس است . (به سکرافسک پاسدار به خانواده اش در ویژه نامه ۱۸ پیکار توجه کنید)

پاسدار محرومی را دکترها مورد مداوا قرار دادند . او بخون منفی احتیاج داشت که کمتر پیدا می شد . کی از دخترانی که برای کمک به پرستارها به بیمارستان رفته بود بنه میان انسوو مردم رفت و گفت منفی برای پاسدار احتیاج دارد . فسروا به او خون رسانند ! محروم پاسدار اینکه با آن سرعت به او خسون رسانند توجه میگرد . می گفت در برابر واقعیت گیج شده ام . تبلیغات دروغ مارا به اینجا کشانه است . خجالت می کشم از اینکه خون کردی ذر رگهایم وارد می شود و برای کشان او به منطقه آمده ام . ارتشی ها به علت آبدیده شدنشان در جریانات قبل از قیام کمتر دخالت می کنند .

خلق کرد خود مختاری میخواهد نه جنگ

بچه از صفحه ۱۴

ایا جنگ صلیبی در راه است؟ اشاعه اخبار که رشته های هیئت حاکم را پنهان میکردند از یک طرف و واژگون نشان دادن و قایع کشور و پخش اخبار جعلی و دروغ از کانالهای انحصاری خود از طرف دیگر، بخش ناجیزی از این "زمینه چینی" را تشکیل می داد. تا آنجا که هم اکنون شوده مردم از وقایع کردستان جز آنچه که هیئت حاکمه در بوقایی تبلیغاتی اش میداد اطلاعی ندارند و اکثربی هنوز این کارزار تبلیغاتی را که بر علیه اتفاق ایجاد شده بتویزه کوئیستها برآمده است، اگر نه بس ادگی ولی میبینه برند رزیم با تکیه بر بی اطماعی و تحریک احساسات و عواطف آنها توانسته است دست به سیمچ توده ها زده و آنها را در راه مقاصد جنگ - افروزانه خود قربانی کند.

قرائی و شواهد موجود، همگی حکایت از آن دارد که توطه "چپ کشی" امیریالیسم که برخی از محافل غربی نظیر "شانعن" (که توسط دولت وقتی میج توضیحی از ایران اخراج شد) قصد افتخار آنرا داشتند اکنون دارد در لباس یک جنگ صلیبی رخ می نمایاند.

دستهای قدرتمندانی که در درون هیئت حاکمه فعال مایشان اند و اهر مهای واقعی قدرت و تصمیم گیریهای سیاسی را بدور از چشم توده های ایران در دست دارند، ایران را بسوی ورطه هولناکی پیش میرانند که سرانجام "نه از تاک شان ماند و نه از تاک شان" !■

خبری از مرودشت - استان فارس -

در مرودشت باز هم ارجاع دست به جنایت زد. حادثه از این قرار بود که فرزند شخصی بنام جلیل برای دعوت به عروسی خویش به دهات اطراف مرودشت و کارت دعوت برای عشا بر میبرد و چون ارجاع از هر کوئه تنماش با این عتاب و حشت دارد، این شخص توسط کمیته انقلاب اسلامی مرو داشت به ریاست شیخ خدا شی به قتل میرسد. پدر فرد مزبور هنگامیکه از موقع با خبر میشود جسد فرزندش را بدست می آورد و آنرا در شهر میگرداند و اهالی دهات اطراف هم که با چند مبنی بوس برای عروسی بانجا آمده بودند با دیدن چنین صحنه ای خشمگین و مسلحه به کمیته حمله کرده و آنرا خلع سلاح میکنند و شیخ فوق-الذکر و افرادش را به گروگان میگیرند که بعداً با میانجیگری رشیس ایل با صری آزاد می گردند. ■

خارج کنندگان ارز اگر سرمایه اشان را برگردانند، از همچهارات معافند از سختان دادستان انقلاب اسلامی تهران

افتاده این کارخانه ها تنها قادر است "اقتصاد صحیح و سالم" را برای امیریا- لیسم و سرمایه داران داخلی و استهان ایران ایجاد کند و آنهم بدین منظور که بهترین وجهی غارت و چاول شرکت های ملی و استشار کارگران و زحمتکشان را عملی سازند همچنانکه در طی سالهای قبل اینکار را به طور تمام و کمال انجام داده اند و فقط در طی چند ماهه اخیر بعلت "خرابکاریها" حاصل از انقلاب "بازارشان کسدادگشت" است.

اما آیا دادستان انقلاب در اینجا فقط دچار یک اشتباه "لیبی" شده است؟ آیا این امر فقط نتیجه از قلم افتادن غیرعمدی و ساده ای بوده که آقای دادستان ذکر نکرده که "اقتصاد صحیح و سالم" را برای ملکت و نه برای منافع امیریالیسم و مشتی سرمایه دار را لتو صفت، فقط در صورت نابودی این صنایع موتاز و ایجاد صنایع پایه ای، اخراج و افشا، محاکمه و مصادره اموال این خاندان به خلق و انتکا به اراده خلقهای ایران و ایجاد شوراهای کارگری در کارخانهای نجات می توان ایجاد کرد و نه با دعوت سرمایه دارانی که دست پروردۀ امیریالیسم هستند؟ باید گفت که تأسیفهای خیر در در و ران بعد از قیام خلقهای ایران با سینه های پر از اندوه سوگ فرزندان دلیر خود، شاهد هستند که چگونه عمال رزیم سابق ارقابیل "شاكرها" و "مولوی ها"، "احسان نراقی" ها و ... طابق شرایط حال چهره عوض کرده و در پیش "اسلام" مقاصد پلید شان را پیش می برند. چگونه آنها با وفاداری کامل به امیریالیسم آمریکا، "هوای" دوستان محبوب خود را دارند و با نفوذ در مقامهای حساس ملکتی، آب پاکی بر روی جنایات آنها ریخته و پس از "اعاده حبیث" پیوشاندن لیاس روز، انقلاب اسلامی "به سریستهای ریاست سابق شان بر می گردند. آرایی در این موقعیت سرمایه داران "بینگانه" کارگران فقط و فقط غارت و چاول بیرونی از آنها هادر این حاسترین مقامها حاکم گشته اند. آرای در میان موافقین سرمایه داران "بینگانه" کارگران بوده، دیگر جای خود دارند و اصلاً لزومی ندارد که دور از وطن و در تعیید سر برده و در ایجاد "اقتصاد صحیح و سالم"، همراه با دیگر همایلکی هایشان مستولیت مهم و انقلابی را مهده دار نگردند.

اما آقای دادستان انقلاب در اینجا نکته ای "بسیار کوچک" را برای مردم روشن نمی کند و آن اینست که این آقایان سرمایه دار معلوم الحال توانایی ایجاد چه نوع اقتصاد "صحیح و سالم" را در ملکت دارند آیا بجز اینست که کارخانه های ایمان، همه از نوع موتاز بوده و بدون واسنگی به امیریالیسم نمی توانند حتی یک روز به کار خود ادامه دهند؟ و در حقیقت بکار آرشیو استناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر www.peykar.org

● نقیش عقاید در قرن بیستم

بورشه آزادی و انقلاب محدود به تجاوز به حقوق ملی خلق کردندیست، بلکه ارتحاب در شما می‌رمینه می‌نیازد. ترقی خواهان و آزاداندیشان در هرگچاکه باشدند دشمن شمرده می‌شوند و چوب تکفیر همواره بر فراز سرشان سکنی می‌کند. رژیم سا ایزار عتبی ولیکن برندنهای که در دست دارد هرگونه نسای مخالفی را سرکوب می‌کند. او از آگاه شدن توده‌ها و حشمت دارد و از آماج حملات خود در شما می‌عزمد. از جانب مقاومت دولتی بدنیال خبری که از جانب مقاومت دولتی از طبق رسانه‌ها منتشرگردید و حکایت از آن داشت که مسلمان "غیر مسلمان" و با "ناصالح" (!?) تصفیه خواهد شد، بدستور نخست وزیر بختنمای مادرشد که طبق آن "خطا کاران" (?) و "خواکاران" (?) در ادارات برگزار و تحت تعقیب قرار خواهند گرفت، در این بختنمای کسانی که این اصطلاحات کشداری که از نفر بازگران تراویده است همه از جنس آنها می‌باشد و "انتقام‌های خداشلاقی" (!!) می‌کشند، مستحق اخراج از خدمت دولتی و مجازات هستند !!

مالحظه‌ی کنبد که این اصطلاحات کشداری که از نفر بازگران تراویده است همه از جنس آنها می‌باشد است که این بار در بسته پندي "اسلامی" عرضه شده است. واقعیت اینست که هیأت حاکم خواب و خیال "دوران نقیش عقاید" را در سر می‌پرورداند و گورددلانه در مقام احباب آن بخواسته است.

● آیا جنگ صلیبی در راه است؟

کردستان همچنان در آتش جنگی که بر خلق کرد تحمل شده است می‌سوزد. آتشی که بی تردید در انتظار دیگر خلتها ایران نیز خواهد بود. هیئت حاکم برای بغاط است و ادشن و همچنان پایمال نمودن حقوق ملی خلتها - حق خود مختاری - از مدتها قبل زمینه چینی می‌کرد. پوشش به مطبوعات آزاد و همچنان اخراج نمایندگان خبرگزاری - های خارجی از ایران بمنظور جلوگیری از بقیه در صفحه ۱۳

توضیح -

جاب ویژه نامه فلسطین، ضمیمه پیکار ۱۷ بعلت تهاجماتی که از جانب هیئت حاکم به جا پخته ها و فروشندگان نشریات صورت گرفت، امکان پذیر نشد.

باری اینان با این دروغ با فیبهایه تنها می‌خواهند کشتار خلقوکرد و سرکوب آزادی در کشور را سامان دهند بلکه در صندوق انتخاباتی بزرگترین مفتریان را روپیشیدند. پخش اخبار معمول از جانب دولت بعد از انتخاباتی با منتبث نمودن شیوه‌های انقلابی همچنین با این واقعیت که هیأت حاکم خود در اندیشان در هرگچاکه باشدند دشمن شمرده می‌شوند و چوب تکفیر همواره بر فراز سرشار سکنی می‌کند. رژیم سا ایزار عتبی ولیکن برندنهای که در دست دارد هرگونه نسای مخالفی را سرکوب می‌کند. او از آگاه شدن توده‌ها و حشمت دارد و از آماج حملات خود در شما می‌عزمد. از جانب مقاومت دولتی بدنیال خبری که از جانب مقاومت دولتی از طبق رسانه‌ها منتشرگردید و حکایت از آن داشت که مسلمان "غیر مسلمان" و با "ناصالح" (!?) تصفیه خواهد شد، بدستور نخست وزیر بختنمای مادرشد که طبق آن "خطا کاران" (?) و "خواکاران" (?) در ادارات برگزار و تحت تعقیب قرار خواهند گرفت، در این بختنمای کسانی که این اصطلاحات کشداری که از نفر بازگران تراویده است همه از جنس آنها می‌باشد و "انتقام‌های خداشلاقی" (!!) می‌کشند، مستحق اخراج از خدمت دولتی و مجازات هستند !!

● اینست جمهوری اسلامی؟

موج اعدام در شهرهای مختلف و بیویه در کردستان ادامه دارد. یک روز ۴۰ نفر اسیر جسکی در کردستان اعدام می‌شوند، یک روز ۱۶ نفر از تبریز مجرم شورش در زندان و روز دیگر در کرمان مجرم داشتن اعلامیه و "روز - نامه‌های مضره" بقتل می‌رسند. هیأت حاکمه جلادی را به کردستان گسل داشته تا چوبه‌های دار را برباکند و جنایات شرایط دروغهای شی که گویی ذاتی این مرتعجین است، توجیه شناید. خلخالی در مورد اعدام جنایتکارانه دکتر رشود رسنداری به خبرگزاران گفت که دکتر رشود "اسیر جنگی بوده است و ما

جاره‌ای جز اعدام نداشتم"! در گنجای دنیا اسیر جنگی را اعدام می‌کنند؟ حکم اعدام مادرمی‌کنند؟ آیا اینست آن "عدل اسلامی" که بخارش گلو پاره می‌کنند؟ آیا اینست آن جمهوری اسلامی که ساده لوحانه می‌حوالد پرچش را بر سرتاسر عالم به انتشار درآورید؟ آیا اینست آن اسلامی که رهبرانش این چنین دروغگویید و مردم را فریب می‌دهند؟ آیا واقعیت مسئله کردستان و جریاناتی که در آنها می‌گذرد همانست که هیأت حاکم اعدام می‌کند؟ همانست که را دیبو و تلوزیون می‌گوید؟ همانست که دروغانه می‌زنند؟

جزب جمهوری اسلامی مینتویسد؟ کفته‌های کسانی که از کردستان آمدند حتی خود بسازان، هیأت حاکم را رسوا می‌سازد. تنها پیوستن گروهی از افسران و درجه‌داران و حتی گروهی از بسازان به متوجهانی شیوه را می‌آرزوی کرد کافی است شانه‌دهد که حق باکیست: با ارجاع با خلق کرد!

● زاهدان ریاضی بر مسند قدرت

هیأت حاکم در دروغ بافی و اتهام ذمی پیشترین مفتریان را روپیشیدند. پخش اخبار معمول از جانب دولت بعد از انتخاباتی با لامگرفته است تا شاید بتواند ابعاد جنایات را که در مناطق مختلف کشور و بیرون از مرکب در کردستان، تحت لوای حکومت اسلامی، مرکب می‌شود، ببینند. جنگ برادرکشی در کردستان اعدا مهای دسته‌جمعی، که حتی اسرای زخمید نیز شامل کشته است، لکه نگرانی است برداشان تخفیف نخواهد یافت.

رزیم که از ابتدای کار، برخلاف آنچه که موظعه می‌کند، راه عوام‌گیری را بروزگزیند است. با کسب جوانان ناآگاه و تحریک شده به قربانگاه کردستان و کشتار خلقوکرد کردستان بکسو و جعل و تحریف حقایق و پخش اخبار بکلی غیرواقعی در مردم کردستان و نسبت دادن جنیش ملی خلقوکرد به افسانه "بال‌بیز" سایه و مهیوسیتها و... نموده هارا فربخته و در جهت منافع اتحاد رطبه‌ها خود بسیج می‌کند. ذکر پاره‌ای از این دروغها موضع را روشن نمی‌کند.

★ هیأت حاکمه اعدام سرهنگ قرانا هی فرمانده "تبیه سفر را که بدلبیل عدم تماشی سه برادرکشی نوسط پاسازان انقلاب می‌ورت گرفته است، بگردان کردها انداده و وفیانه آن داستان ساختگی را در مردم وی اشاعه می‌دهد.

★ بسیارستان پاوه که به مرکز عملیات پاسازان بر علیه خلقوکرد تبدیل شده بود هم‌گاهه به تصرف کردها درآمد، به سویه‌ای تبدیل شده که رزیم با استفاده از آن مکارانه احتمالات نموده هارا بر علیه خلقوکرد شده بود ★ درستنجح که حتی یک تیرشلیک شده بود این شایعه دروغ را کوکویا کردها زنان سنجح را گروگان گرفته و بادگان شهر را محاصه درآورده اند برس زبانها انداده خست تا آنجا که آقای حبیبی نیز در بیان خود تکیه بیاریں خبر دروغ، دستور اعزام نیرو به سنجح را غادر نمود. درحالیکه این خبر بلانامله از طرف استاندار کردستان تکذیب و از رادیو سنجح نیز پخش شده بود !!!

★ روزی نیست که رزیم، جوانان اسرائیلی و بی امراض عراقی، ویا افسران خارجی را در لباس کردی دستگیر نکرده باشد! (رزیم شاه نیز در مردم انتقام‌جویان ایران همین شیوه را با سفیر اطربیش در ایران، اسرائیل را رهبر جنیش خلق کرد قلمداد نمود)

گرامی باد خاطره شهدای هفده شهریور